

اخبار

یادداشت حبیب‌والی‌نژاد، تهیه‌کننده فیلم

«یستاده در غبار»

روایتگر اهل کربلا

حبیب‌الله والی‌نژاد، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «یستاده در غبار» پس از نمایش این فیلم در جشنواره و بازخوردهای بسیار مثبتی که از سوی منتقدان و مردم گرفت، یادداشتی را منتشر کرد که در آن آمده است:

«به نام خدا

پندار ما این است که ما مانده‌ایم و شهدا رفته‌اند اما حقیقت آن است که زمان ما را با خود برده است و شهدا مانده‌اند/ شهید سیدمرتضی آوینی

«یستاده در غبار» شاید اسمی باشد برای فیلمی دربارهٔ حجاج احمد متوسلیمان اما حالا که خوب فکر می‌کنم این نامی است که بیشتر به ما نزدیک است تا به فیلم، مایی که به قول سیدشهبیدان اهل قلم، زمان ما را با خود برده است. غبار زمان ما را در بر گرفته است. غباری که امثال من را در میان روزمرگی و عاقبت‌طلبی از عزیزانسی همچون متوسلیمان‌ها، باقری‌ها، بروجرودی‌ها و همت‌ها جدا کرده و منزل‌ها بین ما و کاروان کربلا فاصله انداخته است. آنهایی که این روزها بیش از آن زمانی که در حضورشان بودیم محتاج مرام و سلوکشان هستیم. عجب است که این غبار فراموشی را با همت و یاری جوانانی کنار می‌زنیم که کمتر کسی آنان را باور داشته؛ جوانانی که بسیار از ما باورمندترند. حال آنکه نمی‌خواهیم باورش‌شان کنیم. الحمدلله که خداوند بر ما منت نهد و دل‌های ما را با نام زنده‌ترین بندگانش به هم پیوند داد تا در این روزگار غربت به مدد توسل به سراالاسرار عالم، حضرت امام حسین(ع)، با حسین بگویم و روایتگر اهل کربلا باشیم.»

■ ■ ■

جلیل سامان، کارگردان سینما و تلویزیون:

قدر «فقس» را باید دانست



جلیل سامان، نویسنده و کارگردان تاکید کرد «فقس» فیلم ارزشمند و شریفی است و باید قدر آثاری از این دست در سینمای ایران را دانست. کارگردان سریال «ارمغان تاریکی» درباره جدیدترین ساخته نرگس آبیار گفت: فیلم «شیار ۴۴» را دیده بودم و تمایل داشتم «فقس» را نیز در جشنواره ببینم و به نظر من فیلم جدید نرگس

آبیار در نوع خود ستودنی است. وی افزود: ساخت فیلم‌هایی از این دست زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بداتیم سوزه اغلب فیلم‌های تولیدشده در سینمای ایران به سمت خیانت و شعار حرکت می‌کند. اغلب فیلم‌هایی که در بخش دولتی تولید می‌شوند شعری هستند و بسیاری از آثاری که در بخش خصوصی ساخته می‌شوند محتوایی با رنگ و بوی خیانت دارند اما فیلمی مثل «فقس» اثری وفادار به ارزش‌های انسانی، دینی، مستقل و جذاب از کار درآمده است. این کارگردان بیان کرد: یکی از دلایلی که مخاطب تا پایان پای اثر نمی‌نشیند این است که جهان‌بینی موجود در پشت پرده است که نگاهی ساده، عاشقانه به انسان و جهان دارد. البته من با انتخاب بعضی بازیگران بزرگسال و گرم آنها مشکل داشتم و فکر می‌کنم انتخاب‌های خوبی نبود. سلمان درباره کارگردانی نرگس آبیار گفت: این کارگردان جوان علاوه بر کارگردانی، تدوین، صداگذاری و آهنگسازی هم خوب فضا را مدیریت کرده است. این اتفاق مبین این مطلب است که همه عوامل دست به دست هم داده‌اند تا «فقس» فیلمی خوب از آب درآید. ■ ■ ■

انیمیشن «فهرست مقدس» به سانس فوق‌العاده گشید

انیمیشن «فهرست مقدس» با وجود اجحاف رخ داده از سوی برگزارکنندگان جشنواره در آکران سینماهای سطح شهر با استقبال قابل توجهی همراه بوده است، چنانکه روز شنبه در پردیس سینمایی ملت آکران متفاوتی را تجربه کرد. انیمیشن «فهرست مقدس» که در روز یادشده با حضور عوامل فیلم در کاخ مردمی جشنواره رومانی‌ای شد، بااستقبال فراوان مخاطبان در این پردیس به سانس فوق‌العاده کشیده شد تا اولین انیمیشنی باشد که در جشنواره‌سی‌وپه‌چهارم به‌رغم وضعیت نامطلوب رخ داده به سانس فوق‌العاده کشیده شود. برای آکران این انیمیشن ابتدا یک سالن در پردیس ملت در نظر گرفته شده بود و با استقبال فراوانی که صورت گرفت، سانس ۴ اولین پردیس ملت نیز اضافه شد، تا بیش از ۴۵۰ نفر به‌طور هم‌زمان به تماشای این انیمیشن بنشینند. ضمیمون خوب، شخصیت‌پردازی و چهره‌پردازی جالب و صداگذاری باکیفیت این انیمیشن سبب شد تا اغلب مخاطبان تا اتمام فیلم روی صندلی‌های خود بنشینند و با رضایت از سالن نمایش بیرون بیایند.

فردرنگ و هنر

نگاهی به آثار روز هفتم جشنواره فیلم فجر

ایده‌های رها شده در پرداخت!



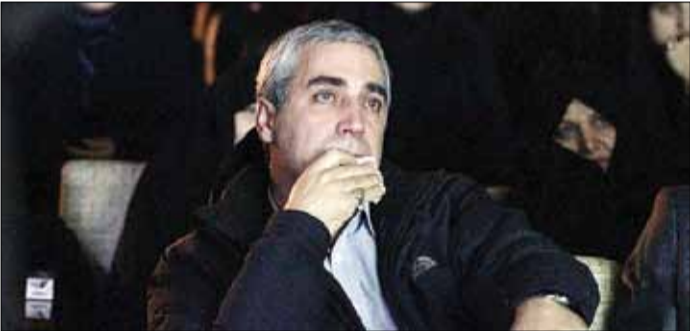
شکل یافته «دختر» به‌راحتی از هم پاشیده می‌شود و تا انتها شاهد یکسری سکانس‌های پیچوده و نبود مولفه‌های دراماتیزه و دیالوگ‌های شعارزده می‌شویم و تم جست‌وجو به سمت محورهای پراکنده خانوادگی می‌رود که هیچ کدام هم‌خوبی شکل و قالب سینمایی نمی‌یابند از این رو شاهد کاراکترهای بی‌نام و نشانی چون عمه دختر و همسرش و محسن می‌شویم و احمد هم به یک‌باره از پدري مستبد تبدیل به مردی با قلب رئوف و حامی خانواده می‌شود!

میرکریمی در فیلم «دختر» در پی آن بوده تا با انتقال دردهای دختران در دوره‌های مختلف به سمت نمایان‌سازی ظلمی تاریخی بر آنها برود و از این رو شاهد تقارن سکانس‌های ابتدایی و انتهایی از دوره‌می دخترها در کافه هستیم که به شکلی سطحی به گفت‌وگوی سفارشی فیلمساز در می‌دهند و از طرفی دوربین با تمرکز چندباره بر دخترپچه‌ای چون شهربین به این اجحاف دامنه‌دار دامن می‌زند! و اینجاست که فیلمساز گرفتار شعارنمایی شده در نیمه فیلم از خلق موقعیت‌هایی سینمایی و پرداختی دراماتیزه جا می‌ماند، چرا که تنها به دنبال رساندن پیام خود است و باید دانست که در زمان مفاهیم فیلم نتواند خود را در لایه‌های دور از نقش و نگارنمایی نشان دهد، همین «دختر»ی می‌شود که می‌توانست عنوان بهترین را در این جشنواره برمی‌ق از آن خود کند.

■ ■ ■

دلنوشته دبیر جشنواره فیلم مقاومت به کارگردان «بادیگارد»

دوراهات تازه آغاز شده است



سینمای امروز نسل جدیدی از سینماگران پرنرژی و مستعد در راه است. فیلمسازان جوان و جوانان با استعداد زیادی داریم. اما متأسفانه گویی در فضای تاریخ و بی‌چراغ‌ها شده‌اند. فرامی‌دهند، فراموشی و فرامندگی کنید. همچنان که تاکنون در بزنه‌های تاریخ معاصر و در پیچ‌های حساس در میدان حاضر بوده‌اید. در صحنه باشید و تا وقتی در صحنه‌ای دلمان قرص است، نسل‌مان به مردانی تکیه دارد که راوی شهیدند، راوی غرور و غیرت، سالک فرزند زمانه خویش بون کجا؟ متأسفانه بسیاری‌شان درک درستی از زمانه خویش ندارند؛ درکی از جایگاه و موقعیت خویش در تاریخ و این زمان. شکی نیست که سوره، عراق، لبنان، بحرین، یمن و جای جای این کره خاکی امروز میدان کارزار است. شکی نیست که نبرد حق و باطل در تازه‌ترین جلوه‌اش میان حقیقت و دروغ در جریان است. در سویی لشکریان جرار استکیار با تحریف دین خدا ایستاده‌اند تا بن دندان مسلح به تزویر و سلاح و در دیگر سو، مدافعان حرم، شیفتگان حقیقت، مریدان ولایت و عدالت.

امایراهمی عزیز!

ما در سوره نیز به سرداران فرهنگ نداریم، نیاز به سرداران و افتخارآفرینان نظامی داریم که مشتاقان این وادی بی‌شمار و بسیارند ولی اینجا کارزار دیگری است. عرصه فرهنگ آوردگاه دیگری است. جنگ نرم نالرباری بریاست. در این کارزار نه به سرداران نظامی که به سرداران فرهنگی نیاز است. مرصاد فرهنگی در مقیاسی بزرگ‌تر در جریان است و فرزندان انقلاب و جنگ به شماها نیاز دارند. هنرمندان سززمین ما و امثال تو که شغل‌دار این راهید و چند گام پیش‌تر، افق از نشان انسان می‌دهید. باید بیچنگید و بمانید. همین‌جا. در قلب و متن جریان و خبیری بمانید و ادامه دهید. درست است که در مسالط فرهنگی و

ایراهمی عزیز!

ایا دیده‌بان هنر انقلاب، در جایی گفتم‌ای: احساس می‌کنم عقب افتادم، نه برادر، در تو عقب نیفتاده‌ای. این حوزه فرهنگ ماست که عقب افتاده است و بعضی سینماگران هستند که در جا زده‌اند و غفلت مسؤولان



«خماری» ساخته داریوش غذبانی

سخت است فیلمی مانند «خماری» را

با پیشوند چند فیلم سینمایی بخوانیم، چرا که اصولا در نخستین ساخته داریوش غذبانی مسواری چون دراماتیزه کردن متن، انتقال مفاهیم از طریق میزاسنس و قاب‌بندی‌ها، خلق موقعیت‌های روایی، آراستگی و چنش سکانس‌ها، تفکر در چرایی گزینش فرم بصری و بسط و گسترش ایده اولیه از طریق زبانی همراستا با تم اثر و… محلی از اعراب ندارد. فیلم «خماری» در خماری مطلق نوشته و اجرای خود تا انتها باقی می‌ماند و با انتخاب ایده‌ای دستمای شده چون اعتیاد و با کمترین بهره از عناصر خلاقانه در روایت، بیشتر به درد سریال‌های شبانه تلویزیونی می‌خورد تا حسرت از هم پاشیدگی خانواده‌ها را از طریق مواد خانمانسوز مخدر با اشک و گریه انتقال

بخشد! داریوش غذبانی نشان داده که برای ساخت فیلم اولش باید کمی بیشتر صبر می‌کرد.

«مالاریا» به کارگردانی پرویز شهبازی

بدترین فیلم پرویز شهبازی و یکی از بدترین‌ها در جشنواره امسال فیلم فجر، «مالاریا» است. فیلمی که اصلا نمی‌داند در پی روایت چه چیزی است، چرا که فیلمساز مطرح سینمای ایران اسیر فرم روایی خود شده و از قالب‌گیری مواد و عناصری که باید برای اجرایی کردن طرح به کار آید، کاملا غفلت ورزیده است. شیوع بهره‌مندی از عناصر تکنولوژیک و پدیده‌های چون موبایل به دلیل نگره متفاوتی که به شکل زندگی و البته نوع فیلمسازی بخشیده است، پرویز شهبازی را در ادامه فیلمسازی مانند داوودنژاد و رحمانی به استفاده از همسویی مدیوم سینما قائلی از گوشه همراه برده است. از سویی فیلمساز در ایده به دنبال آن بوده تا اشاراتی به مفهوم سوژکتیو از حیث انتزاعی و درون‌مایه موضوعی داشته باشد، چنانکه فیلم «مالاریا» به شکلی خام دستانه در پی آن است تا از انگاره تصویری کاراکترهایش به‌ارائه تصویری حقیقی‌تر از پیرامون در ادراک سوژکتیو و نیز به تعبیر دلوز، راهی برای آزاد کردن جهان از اسارت چشم سوزه دست زند اما اجرایی کردن چنین نگاهی نیاز به خلقت و ادراک بالایی داشته و متأسفانه فیلمساز «مالاریا» مانند برخی دیگر از همتایانش تنها به تفکر در باب ایده‌سازی بسنده کرده و پرداخت آن را به حال خود رها کرده است.

بسیاری را در سینما معطل گذاشته و صرفا به امور روزمره بسنده کرده است. و از این رو است که ما از مولفه‌ها، شاخص‌ها و ایده‌آل‌های فرهنگی دور شده‌ایم و خود را به روزمرگی مشغول ساخته‌ایم. واقعا کشوری دیگر با این اقیانوسی از ارزش‌های انسانی و الهی و گوهر تابناک فرهنگی کیه می‌کرد؟ هنوز تلویزیون ما روایت جنگ‌های اول و دوم جهانی را پخش می‌کنند ولی هنرمندان ما، از جنگی که هم‌اکنون در آنیم، جنگی که دامن منطقه را شعله‌ور کرده و پیامدهایش در حال گسترش است غافلند و دکان‌داری هنر را می‌کنند و مسؤولان ما خواب‌زده‌تر از هر زمانی، و با ساده‌انگاری و بی‌توجهی مفرط از کنار گنجینه عظیم دفاع‌مقدس و فرهنگ مقاومت که همه بویایی ملی ما به آن وابسته است سرخوش و خوشحال می‌گذرند و دلشان خوش است که چند حکایت و هجو تصویری و طنزهای ابکی سال با اقبال عامه روبرو شده است. خوب گفتم‌ای: چه کنیم که هنوز هم مثل زمان جنگ مسؤولان سمت شمال می‌ایستند، در حالی که در جنوب جنگ خطر پشت مرزهای این کشور است و دوستان متوجه نیستند. در این میان اگر دغدغه و دلسوزی چند عزیز در نهادهای ارزشی نمی‌بود شاید حتی یک اثر ارزشمند و استراتژیک هم برای نمونه نمی‌داشتیم.

ابراهیم عزیز!

در صحنه بمان و محافظ فرهنگ، غرور و آرمان شهدا باش. نگذار بی‌انگیزه‌ات کنند. نگذار از صحنه خارج ات کنند. شاهرهی که امروز تا ژرفای خاورمیانه را در نور دیده به دیده‌بانان و محافظانی چون تو نیاز دارد. باور کنیم که سینمای ما، گرفتار نوعی الیاسیون غربی شده است. وپروسی که مورپناه‌وار، ریشه فرهنگ و منافع ملی ما را می‌خورد. در این وانفسا، مام مبهین فرزندان صالح و غیور را به کمک می‌خواند. پس با افتخار بمان و نگذار موج‌های مرده تو را به حاشیه بکشند. فرهنگ اصیل، انسانی و ناب ما، سال هاست که در میان چرخه باطل غفلت‌ها، نلدم‌کاری‌ها، خودباختگی‌ها و عاقبت‌طلبی‌ها و دنیاگرایی‌ها در مرز فراموشی است و ملموس‌ترین نشانه‌های نفوذ فرهنگی در امروز شاهدیم که بسیاری از آن در سینما سر در آورند و نیز از سینما سر برآورند. میباید روزی که جای خالی شماها را هنرمندانی پر کنند که نه به ایمان و نه به آرمان پایبندند. در میدان بمان و پرچمدار شهیدان باش و پیام‌رسان فرهنگ و هنری باش که امروز از برکت آن، بلاد اسلامی و جهان اسلام سربلند است. باور کن کم داریم هنرمندانی که دل‌تنگ آن روزها، خالص‌ترین روزها و شفاف‌ترین لحظه‌های تاریخ بمانند.

هنوز دوراهت تمام نشده است.

به دلیل فقدان استراتژی روشن فرهنگی، ظرفیت‌های

بمان مری. دوراهت تازه آغاز شده است…

رویدادها

ضرغامی: «سیناور» کیمیاست

عزت‌الله ضرغامی بعد از تماشای جدیدترین ساخته پرهوز شعبی مطلی در تمجد آن نوشته است. او «سیناور» را کیمیایی در شرایط امروز سینمای ایران می‌خواند. عزت‌الله ضرغامی پس از تماشای این اثر در سینماهای مردمی یادداشتی درباره این فیلم سینمایی در صفحه اینستاگرام خود نوشته است:

امسال چند فیلم خوب در جشنواره هست. دیشب فیلم «سیناور» ساخته پرهوز شعبی را به‌همراه ایشان، آقای رضوی تهیه‌کننده و سایر عوامل محترم آن دیدم و از آنان تقدیر کردم. انحراف سازمان مجاهدین خلق در سال ۵۴ و استه‌آل آن به یک سازمان مارکسیستی، با توجه ضرورت علمی شدن مبارزه و ناکار آمد بودن احکام و دستورات مذهبی؛ و بدید آمدن شخصیت‌های منفوری چون تقی شهرام و وحید افراخته که در نهایت منجر به شهادت مجید شریف‌واقفی و مرتضی صمدیه‌لیاف می‌شود؛ اتفاق کوچکی در تاریخ مبارزه‌ای فرزندان ملت نیست و بازخوانی این حوادث می‌تواند عبرت‌آموز و چراغ راه آینده باشد. از جمله سکانس‌های ماندگار این فیلم؛ کنتراست ۲ شخصیت سلامتی و همچنین حامد کیمیای و بابک حمیدیان در نقش‌های وحید افراخته و مرتضی صمدیه‌لیاف قبل از اعدام است که اوج هنری ترسیم صلابت و ثبات قدم نیروهای مذهبی و استیصال و درماندگی نیروهای بریده از دین است. بازی مهدی هاشمی در نقش رئیس تیم ساواک و خانم‌ها بهنوش طباطبایی و هانیه توسلی در نقش چریک‌های سلامتی و همچنین آقای پرهوز شعبی در نقش مجید شریف‌واقفی، همگی خوب و مکمل هم است. دیالوگ‌های فیلم دقیق و منطبق بر واقعیات تاریخی است. سیناور، در فضای فملی سینمای ایران، کیمیاست و باید قدر آن را دانست.

■ ■ ■

حاشیه‌های هفتمین روز جشنواره فیلم فجر

عدم آکران «بتیم‌خانه ایران» به دلیل نقص فنی

هفتمین روز برگزاری جشنواره‌سی‌وپه‌چهارم فیلم فجر همچون روزهای پیشین همراه با حضور افراد و چهره‌های سرشنسی در کاخ جشنواره بود که هنرمندانی چون فرهاد اصلانی، رضا فیاضی، منیره حکمت، پرویز شهبازی و مهران غوربانی از جمله این افراد بودند که در برابر دوربین‌های عکاسان مستقر در برج میلاد قرار گرفتند. این روز از سوی مدیران سینمایی مانند ایوبی به تماشای فیلم «دختر» میرکریمی نشستند و از طرفی محمد رحمانیان، کارگردان فیلم «سینما نیمکت» روی فرش قرمز نرفت که می‌تواند اعتراضی از سوی وی در عدم پذیرش فیلمش در بخش «گناهان» باشد. اما مهم‌ترین مساله‌ای که در ساعات پایانی روز یکشنبه از سوی دبیر‌خانه جشنواره اعلام شد، عدم نمایش فیلم «بتیم‌خانه ایران»، جدیدترین ساخته ابوالقاسم طالبی بود که به دلیل نقص فنی، نمایش فیلم در برج میلاد لغو شد. در این باره ابوالقاسم طالبی اظهار امدباری کرد این‌س فیلم در یکی از سینماهای سطح شهر برای اهالی رسانه اثری سینمایی در آینده به نمایش درآید. «بتیم‌خانه ایران» تنها فیلم بخش خارج از مسابقه جشنواره‌سی‌وپه‌چهارم فیلم فجر است که قرار بود از ساعات یک بامداد دوشنبه ۱۹ بهمن در برج میلاد به نمایش درآید؛ فیلمی که بر مبنای داستانی از قحطی و خشکسالی عظیم ایران در سال‌های ۱۲۹۹- ۱۲۹۶ بنا شده و نگاهی تاریخی را دستمایه ساخت اثری سینمایی قرار داده است. اما سالن همایش‌های برج میلاد در روز هفتم جشنواره فیلم فجر یکی از کم‌حاشیه‌ترین روزهای این دوره را در برگزاری نشست‌های خبری جشنواره سپری کرد.

■ ■ ■

غیبت میرکریمی و شهبازی در نشست خبری جشنواره فجر!

انگار عدم حضور فیلمسازان مطرح در نشست خبری آثارشان دارد به یک اپیمهی گویا تبدیل می‌شود، چنانکه روز دوشنبه، رضا میرکریمی و پرویز شهبازی هم به صف غایبان این نشست‌ها پیوستند. این مساله موجب بلاتکلیفی خبرنگاران و عکاسان مستقر در کاخ جشنواره شده که با همه خستگی‌هایی که تا پاسی از شب برای تماشا و انعکاس اخبار دارند، در صبح هم منتظر نشست خبری و جلسه گپ و گفت با فیلمسازان و عوامل فیلم می‌شوند و این نادیده گرفتن از سوی برخی فیلمسازان می‌تواند نشانه‌ای از بی‌احترامی و بی‌توجهی به حق آگاهی‌مندی اصحاب رسانه قلمداد شود. این در حالی است که از سوی ستاد خبری جشنواره اعلام شد عدم حضور رضا میرکریمی در نشست صبح دوشنبه ۱۹ بهمن‌ماه به دلیل کسالت کارگردان بوده است و نشست خبری فیلم سینمایی «مالاریا» نیز به دلیل اینکه پرویز شهبازی، کارگردان این فیلم تمایلی به حضور در نشست نداشت، از قبل تعطیل شده بود! مساله مهم در این میان واهمه برخی از فیلمسازان در مواجهه با فضای نقد و نقادانی است که با نگاهی تیزبین در پی طرح معضلات فنی اثر نمایان شده هستند در چنین فضای غبار‌آلودی نشست خبری فیلم «خماری» نیز که قرار بود در ساعت ۱۲ بر گزار شود، به دلایل نامعلومی لغو شد.